



عرفان اسلامی با رعایت مراتب تشکیکی آن در سطح عموم مطرح شود

برای مقابله با آسیب‌شناسی معنوی که یکی از مصادیق آن در جامعه فرهنگی ما، جنبش‌های نوپدید معنوی هستند، ناگزیر باید عرفان اسلامی در سطح عمومی مطرح شود و البته در این مسیر باید مراتب تشکیکی و مرحله به مرحله که در عرفان اسلامی مطرح است، رعایت شود.

برای مقابله با آسیب‌شناسی معنوی که یکی از مصادیق آن در جامعه فرهنگی ما، جنبش‌های نوپدید معنوی هستند، ناگزیر باید عرفان اسلامی در سطح عمومی مطرح شود و البته در این مسیر باید مراتب تشکیکی و مرحله به مرحله که در عرفان اسلامی مطرح است، رعایت شود.

محمدحسین کیانی، سردبیر فصل‌نامه «مطالعات معنوی» و مدیر گروه جنبش‌های معنوی پژوهشکده باقرالعلوم (ع) در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) به بیان مطالبی درباره برخی از شاخصه‌های مهم عرفان‌های کاذب و نیز مقایسه برخی از مؤلفه‌های عرفان اسلامی با جنبش‌های نوپدید معنوی پرداخت و با تأکید بر این که هر مصداقی از جنبش‌های نوپدید معنوی، عرفان یا عرفانی نیستند، اظهار کرد: اگر بپذیریم که جنبش‌های نوپدید معنوی و یا مصادیق خاصی از آنها عرفانی هستند، باید ابراز کنیم که میان این دسته از جنبش‌های معنوی عرفانی و عرفان اسلامی اختلاف جوهری و بنیادی وجود دارد.

وی افزود: ثقل بنیادهای معرفتی در هر مکتب عرفانی نشان دهنده میزان صیروت عملی و تعالی‌کاربردی آن است؛ ثقل بنیادهای معرفتی در عرفان اسلامی بسیار زیاد است، اما جنبش‌های نوپدید معنوی، فاقد هرگونه مبانی معرفتی و یا دارای مبانی معرفتی ضعیف و نحیفی هستند. معرفتی که در عرفان اسلامی مبتنی بر حقیقت می‌شود، دارای مراتب گوناگون بوده و چندساحتی است. اما در مقابل، جنبش‌های معنوی عرفان‌گونه، تک‌ساحتی بوده و تنها به ساحت ظاهر می‌پردازند.

چرا اساتید عرفان اسلامی موافق عمومی شدن آن نیستند؟

کیانی تصریح کرد: وقتی که اساتید عرفان اسلامی بیان می‌کنند که عرفان اسلامی باید برای سطح خاصی از افراد بیان شده و نباید عمومی شود، تنها و تنها به این معناست که عرفان اسلامی به واسطه بنیادهای معرفتی مستحکم خود باید به صورت پله‌پله تعلیم داده شود و به یک مبتدی نباید فی‌البداهه گوهر عرفان اسلامی و مبانی معرفتی آن را یاد داد؛ چراکه این امر می‌تواند مضر باشد؛ همان‌گونه که برای یک دانشجوی تازه وارد مضر است که فی‌البداهه وارد کلاس دکتري شود.

سردبیر فصل‌نامه «مطالعات معنوی» ادامه داد: بنابراین این مطلب به این معنا نیست که عرفان اسلامی به طور کلی باید از ساحت جامعه دور شود. واقع امر این است که عرفان اسلامی به واسطه غنای خود و به واسطه تراش عرفانی که توسط عارفان بسیار بزرگ در طول تاریخ انباشته شده و اکنون در دست ماست، یک نظام فکری منسجم است که می‌تواند انسان را به معرفت و تعالی برساند.

وی تشریح کرد: برای این‌که انسان در مسیر عرفان اسلامی به صیروت برسد، باید مقدماتی را طی کند و از کاردانی و کارشناسی شروع کند تا به مرحله دکتري و اجتهاد برسد. این‌که برخی از اساتید مخالف سطحی شدن عرفان در جامعه هستند، نه به این معناست که آنها مخالف ورود سطح کاردانی و کارشناسی به جامعه هستند، بلکه آنها معتقدند که مبانی غنی عرفان اسلامی که در حد دکتري است، نباید در سطح عمومی جامعه بیان شود.

در عرفان اسلامی خوب و بد به واسطه خدا و ارزش‌های خداگونه رقم می‌خورد؛ در حالی‌که در جنبش‌های نوپدید معنوی، خوب و بد ناظر به نفسانیت و اراده انسانی منفک از الوهیت رقم می‌خورد. و این مهم‌ترین اختلافی است که میان جنبش‌های نوپدید معنوی و عرفان اسلامی وجود دارد.

این محقق و پژوهشگر اضافه کرد: بنابراین ما برای مقابله با آسیب‌شناسی معنوی که در جامعه خود احساس می‌کنیم و یکی از مصادیق آن آسیب‌شناسی معنوی در جامعه فرهنگی ما، جنبش‌های نوپدید معنوی هستند، ناگزیر باید عرفان اسلامی را در سطح عمومی مطرح کنیم.

عرفان اسلامی و مراتب تشکیکی آن

وی تأکید کرد: البته در این مسیر باید مراتب تشکیکی را که در عرفان اسلامی مطرح است، رعایت کنیم؛ یعنی از مراحل اولیه و ابتدایی شروع کنیم و در خلال بیان آن مبانی معرفتی و راهکارهای عملی، از ادبیات زیبا و سیر و سلوک‌های ابتدایی که برخی از عرفا داشته‌اند، شاهد مثال‌هایی بیاوریم و این مسیر را برای عرف ادامه دهیم.

کیانی خاطرنشان کرد: در میان عرف برخی به واسطه علاقه، خصوصیات و توانایی‌های خدادادی خاص خود، ممکن است بتوانند مراحل پیشرفته را طی کنند، این مراحل پیشرفته به صورت خصوصی است و نباید برای عموم بیان شود. این نکته به مثابه يك ضعف برای عرفان اسلامی نیست؛ بلکه به مثابه توانایی فوق‌العاده و غنای بیش از حد عرفان اسلامی است. عرفان اسلامی می‌تواند برای تمام افراد با تمام خصوصیات و با تمام مراتب تشکیک وجودی، راهکارهای مفید دهد و همه افراد را با تمام گوناگونی‌هایی که در جامعه وجود دارد، به سمت تعالی سوق دهد.

خدامحوری در عرفان اسلامی/ انسان‌محوری در معنویت‌های نوپدید

وی در ادامه سخنان خود با اشاره به اختلاف بنیادی بین جنبش‌های نوپدید معنوی و عرفان‌های نوظهور با عرفان اسلامی، به برخی از شاخصه‌های بارز عرفان‌واره‌ها اشاره کرد و گفت: در عرفان اسلامی با بحث خدامحوری مواجه هستیم و همه چیز، اعم از گزاره‌ها و تعالیم عملی ناظر به خدامحوری و توجه به ذات خداوندی معنا می‌شود؛ تمام گزاره‌ها با توجه به این نکته تفسیر می‌شود و تمام دستورالعمل‌ها ناظر به این عبارت هدایت می‌شود که خداوند همه چیز است و تنها اوست که می‌تواند ما را هدایت کند و ثروت حقیقی نهفته در اوست.

سردبیر فصلنامه «مطالعات معنوی» عنوان کرد: در جنبش‌های نوپدید معنوی آنچه اهمیت دارد، بحث انسان‌محوری است؛ این‌که همه چیز باید ناظر به انسان تفسیر شود و هرآن چیزی خوب است که برای انسان خوب باشد و انسان آن را خوب قلمداد کند و هرآن چیزی بد است که انسان آن را بد بداند.

وی اظهار کرد: در عرفان اسلامی خوب و بد به واسطه خدا و ارزش‌های خداگونه رقم می‌خورد؛ در حالی‌که در جنبش‌های نوپدید معنوی، خوب و بد ناظر به نفسانیت و اراده انسانی منفک از الوهیت رقم می‌خورد. و این مهم‌ترین اختلافی است که میان جنبش‌های نوپدید معنوی و عرفان اسلامی وجود دارد و در پس این نکته، ما می‌توانیم به موارد جزئی دیگری نیز اشاره کنیم.